

# ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد (در مقایسه با فارسی معیار)\*

آتوسا رستم‌بیک

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

درآمد

تحقیق حاضر با هدف بررسی توصیفی و همزمانی ویژگی‌های واجی مشترک موجود در گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد صورت گرفته است. داده‌هایی که در بررسی استفاده شده‌اند، ۱۴۹ کلمه (برگرفته از فهرست کلمات پایه مورس سوادش) و ۴۴ جمله پایه را شامل می‌شود؛ که نتایج بررسی‌ها در این مقاله خلاصه شده است. داده‌ها به صورت جدول ارائه و برای توجیه هر ادعا، تعدادی از کلمات به عنوان نمونه عرضه شده

---

\* اسامی گویشوران به این شرح است: سیدرضا تجلی (گویشور آبادی عزیزآباد)، حیدر مظفری (آبادی رباط پشت بادام)، سیدمحمد میربوقی (آبادی باز)، محمود سرافراز (آبادی علی‌آبادی)، جلال جلالی (آبادی مورک)، محمدحسن قانع (آبادی صدرآباد)، احمدعلی دهقان (آبادی مزرعه نو)، سیدحسین مکی (آبادی منشاد)، مصطفی علی‌زاده (آبادی شیطور). نامبردگان به‌عنوان گویشور، در ضبط نوارهایی که در جهاد کشاورزی تهیه شده است، همکاری داشته‌اند.

است.

با بررسی داده‌ها به نظر می‌رسد بسیاری از تقابلهای آوایی که بین این صورتهای زبانی و فارسی معیار مشاهده می‌شود، حاصل فرایندهای آوایی با هدف بی‌نشان‌شدن و ساده‌شدگی است. ویژگی‌های واجی مشاهده‌شده در گونه‌های مورد بررسی به ترتیب زیر است:

۱. تقابل همخوان ناسوده w در گونه‌های زبانی استان یزد با همخوان انسدادی b فارسی معیار.
۲. حذف همخوان چاکنایی h از میان و پایان واژه.
۳. حذف همخوان انسدادی t از خوشه همخوانی (همخوانی سایشی و انسدادی) st, št, xt در پایان واژه.
۴. حذف همخوان z از پایانه هجای دوم و سوم واژه (پایان واژه).
۵. همگونی همخوانی و هماهنگی واکه‌ای.
۶. تبدیل واکه â به u و در مواردی به o در خوشه‌های ân و âm (واکه و همخوان خیشومی).

## مقدمه

استان یزد در مرکز ایران قرار گرفته است. این استان از شمال و غرب به استان اصفهان، از شمال شرقی به استان خراسان، از جنوب غربی به استان فارس و از جنوب شرقی به استان کرمان محدود می‌شود و به دلیل دوربودن از سرحدات مرزی ایران، در طول تاریخ از بحران‌ها و فشارهای فرهنگی و نژادی مصون مانده است. مردم استان یزد آریایی نژاد و ایرانی هستند، که تا اندازه‌ای از آمیختن با نژادهای غیرایرانی مصون مانده‌اند. از روزگار باستان و آغاز مدنیت و آبادی این منطقه، مردمی دیگر نیز در این منطقه می‌زیسته‌اند و با نژادهای اصلی آن درآمیخته‌اند. از حدود هزاره پنجم پیش از میلاد، مردمی غیرآریایی در استان یزد زندگی می‌کرده و بی‌گمان بعدها در سرگذشت اجتماعی، فرهنگی و حتی ترکیب نژادی مهاجران تازه‌رسیده آریایی تأثیر بسیاری داشته‌اند.

گسترش آریایی‌ها بر فلات مرکزی ایران، از جمله منطقه یزد، که در این فلات قرار دارد، در حدود نیمه هزاره دوم پ.م. آغاز شده است. در دوره‌های بعد نیز گروهی

## ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد ۴۷

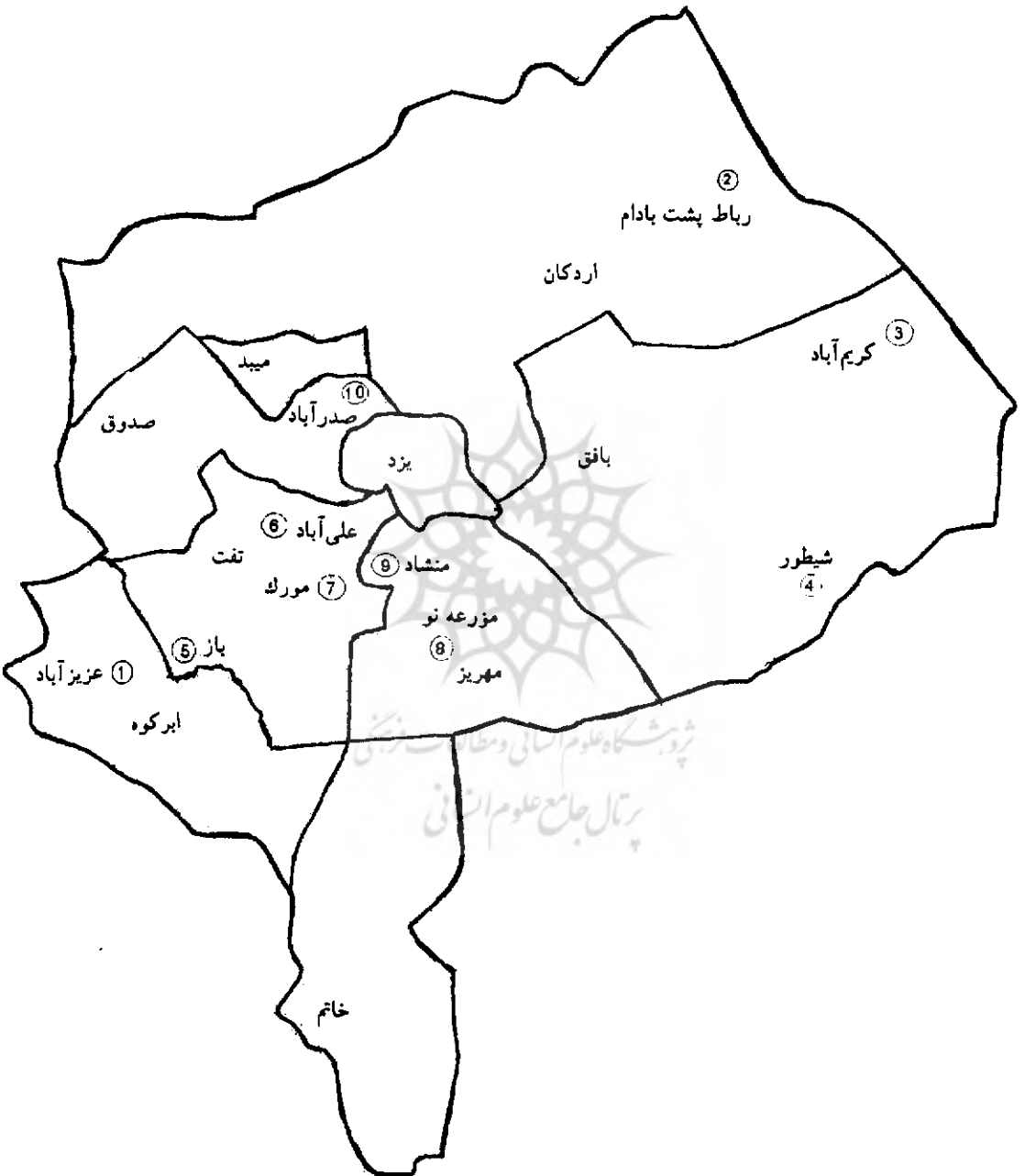
عرب، ترک، مسیحی و کلیمی ... در این استان می‌زیسته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که مردم استان یزد را مردمی از گوهر ایرانی پی‌افکننده بودند؛ و سپس دسته‌های عرب، ترک، مسیحی، کلیمی، ... بدان‌ها پیوسته‌اند. زبان‌شناسان، نیم‌زبان‌های (لهجه‌های) جدید ایرانی را به دو دسته باختری (آنهايي که در بخش باختری فلات ایران تا حدود مرزهای عراق رواج دارد) و خاوری (لهجه‌هایی که در بخش خاوری فلات ایران و در فلات پامیر رایج است) بخش کرده‌اند که لهجه یزدی، جزو نیم‌زبان‌های مرکزی دسته باختری است، و در بخش باختری فلات ایران، تا حدود مرزهای عراق رواج دارد. در بیشتر نیم‌زبان‌های مرکزی، از جمله لهجه شیرین یزدی، آثار دیرینگی و آمیختگی کمتر با زبان عربی دیده می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹).

### الف - پیشینه مطالعه

تاریخ آغاز مطالعات گویشی در ایران به زمان دوری بازمی‌گردد. محققان و زبان‌شناسان ایرانی در چند دهه گذشته گویش‌ها و زبان‌های ایرانی را مطالعه کرده‌اند. بیشتر تحقیقات انجام‌شده در مورد گونه زبانی استان یزد بر روی گویش بهدینان است و درباره فارسی یزدی که لهجه‌ای از زبان فارسی است، بررسی زبان‌شناختی کمتری انجام شده است. در این مقاله بیشتر گونه‌های فارسی یزدی بررسی شده است. فهرست مطالعات انجام‌شده در مورد گویش بهدینان و فارسی یزدی در قسمت منابع بیان شده است.

تحقیق حاضر با هدف بررسی همزمانی فرایندهای واجی مشترک در گونه‌های زبانی استان یزد صورت گرفته است. چنان‌که در چکیده عنوان شد، داده‌های مورد بررسی به صورت پرسشنامه‌ای برگرفته از فهرست کلمات پایه مورس سوادش بوده است. در جمع‌آوری داده‌ها از ابزار ضبط صوت استفاده شده است. گویشوران اکثراً مرد، کشاورز یا دامدار بوده‌اند. سعی بر این بوده است که کشاورزان بومی باشند و کارگر فصلی نباشند.

در انتخاب روستاها، از روش آماری سیستماتیک استفاده شده است. پراکندگی جغرافیایی روستاهای مورد بررسی در نقشه نشان داده شده است.



### ب - تحلیل داده‌ها

برای نمایش داده‌ها و مقایسه بین گونه‌ها، از جدول استفاده شده است. در هر جدول، روستاها در ستون عمودی و به صورت اعداد ۱ تا ۱۰ و واژه‌های نمونه در ردیف افقی گنجانده شده‌اند.

ب - ۱. یکی از فرایندهای واجی رایج در گویش‌ها و لهجه‌ها، تضعیف یا نرم‌شدگی آوا است. در واج‌شناسی، تضعیف، اصطلاحی است برای اشاره به کاهش قدرت کلی آوا. تغییر آوای انسدادی به سایشی، سایشی به ناسوده، آوای بی‌واک به واکدار یا حذف آوا، از متداول‌ترین تغییراتی هستند که تحت این عنوان شناخته شده‌اند (کریستال، ۱۹۹۲: ۱۹۷). در این مقاله، آنچه به عنوان فرایند تضعیف در لهجه یزدی نمایش داده شده، تقابل همخوان انسدادی *b* فارسی معیار با همخوان ناسوده *w* در این گونه زبانی است. در همه نمونه‌ها، همخوان *w* در لهجه یزدی در جایگاه پایانه هجا در تقابل با همخوان *b* فارسی معیار قرار گرفته است. چنین تقابلی در بسیاری از گویش‌ها مشاهده شده است. نمونه‌هایی دال بر وجود چنین تقابلی در جدول زیر ارائه شده است.

ردیف	نام روستا	آب	آبستن	آفتاب	پریشب	دیشب	مهتاب
۱	عزیزآباد	?ow	?owsan	?âftow	Pařšow	dišow	
۲	رباط پشت بادام	?aw		?oftew	Pařiřew	diřew	mahtow
۳	کریم‌آباد	?ow	?owes	?âftow	Pereřow	diřow	ma:tow
۴	شیطور	?ow	?owes	?âftew	Pařiřew	diřew	mahtew
۵	باز	?ow	?owes	?âftow	Pereřow	diřow	ma:tow
۶	علی‌آباد	?ow	?owsan	?âftow	Pereřow	diřow	ma:tow
۷	مورک	?ow	?owessan	?oftow	Pereyřow	digřow	mahtow
۸	مزرعه‌نو	?ow	?owessan	?âftow	Pereřow	diřow	mawtow
۹	منشاد	?ow			Pereřow	diřow	ma:tow
۱۰	صدرآباد	?ow	?owessan	?oftow	Periřow	diřow	ma:tow

چنان که ملاحظه می‌شود، تقریباً در همه نمونه‌ها کیفیت واکه پیش از همخوان نیز دستخوش تغییر شده است؛ به این ترتیب که واکه‌های افتاده (باز) پسین *â* و افتاده پیشین *a* به واکه‌های میانی پسین و پیشین *o* و *e* تغییر پیدا کرده‌اند.

ب - ۲. از دیگر فرایندهای واجی پرسامد، فرایند حذف آوا است. حذف ممکن

است از ابتدای واژه، میانه و پایان واژه صورت گیرد (تراسک، ۱۹۹۷: ۶۶). عنصر حذف‌شده ممکن است همخوان، واکه یا هجا باشد؛ و این فرایند ممکن است به دلایل همزمانی و یا در زمانی و تاریخی اتفاق افتد. بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که فرایند حذف همخوان در این گونه‌های زبانی، بسامد بالایی دارد.

ب-۱-۲. حذف همخوان چاکنایی h که در میان و پایان واژه اتفاق می‌افتد. این فرایند در بعضی موارد کیفیت واکه‌های موجود در واژه را نیز تغییر می‌دهد؛ به این ترتیب که واکه دستخوش کشش جبرانی می‌شود (تراسک، ۱۹۹۷: ۶۵). بررسی نمونه‌ها در این استان نشان می‌دهد که بیشتر در مواردی که حذف از میان واژه صورت گرفته، واکه پیش از همخوان حذف‌شده کشیده شده است. فرایند حذف همخوان h در گونه محاوره‌ای فارسی تهران نیز اتفاق می‌افتد؛ هر چند که بسامد وقوع آن در گونه‌های زبانی استان یزد بیشتر است.

ردیف	بهمن	تنها	چهار	ده	صبح	سیاه	شهر	مهتاب	تکاه
۱	ba:man	ta:nâ	čâ:r	dɛ		siyâ			negâ
۲		ta:nâ	čâ:r	da		siyâ			negâ
۳	ba:man		čâ:r	dɛ	so:b	siyâ	ša:r	ma:tow	negâ
۴	ba:man			de	so:b	siyâ			negâ
۵		ta:nâ	čâ:r	dɛ	so:b	siyâ	ša:r	ma:tow	
۶		te:nâ	čâ:r	dɛ		siyâ		matow	negâ
۷		te:nâ	čâ:r	dɛ		siyâ	ša:r		negâ
۸		ta:nâ	čâ:r		so:b	siyâ	ša:r		negâ
۹	ba:man	te:nâ	čâ:r	dɛ	so:b	siyâ	ša:r	ma:tow	
۱۰		te:nâ	čâ:r	de	so:b	siyâ	ša:r	ma:tow	negâ

در واژه‌های بهمین و مهتاب، ساختار هجایی پیش از حذف cvccvc است؛ که همخوان h از جایگاه پایانه هجای اول حذف و در نتیجه حذف، واکه ماقبل دستخوش کشش جبرانی شده است (cv:cvc). در واژه‌های صبح و شهر، ساختار

ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد ۵۱

هجایی پیش از حذف CVCC است؛ که همخوان h به ترتیب از جایگاه پایانه هجا و میانه هجا حذف شده که در نتیجه هجای بلند CVCC به هجای متوسط CVC تغییر پیدا کرده و واکه نیز دارای کشش جبرانی شده است. در واژه‌های نگاه و سیاه، ساختار هجایی CVVCVC در نتیجه حذف همخوان h از پایانه هجای دوم به CVVCV تبدیل شده است. در واژه چهار، با ساختار هجایی CVVCVC (متشکل از دو هجا)، همخوان h از جایگاه آغازین هجای دوم به همراه واکه قبل از آن حذف شده است (این احتمال نیز وجود دارد که ابتدا هماهنگی واکه‌ای صورت گرفته باشد؛ در نتیجه واکه هجای اول نیز به h تبدیل و سپس همخوان h و واکه بعد از آن حذف شده باشند) و ساختار هجایی واژه به CVC تغییر پیدا کرده، و در نتیجه واکه دچار کشش جبرانی شده است.

ب-۲-۲. حذف همخوان انسدادی t در پایان خوشه‌های همخوانی st، št، ft و xt: چنان‌که مشاهده می‌شود، در مواردی کل خوشه همخوانی حذف شده است. به‌طور کلی در نمونه‌های فوق، آنچه در نتیجه این حذف صورت می‌گیرد، کوتاه شدن هجا است. در آواشناسی فارسی، هجا بر سه نوع است. انواع سه‌گانه هجا در آواشناسی فارسی عبارت‌اند از: هجای کوتاه متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه و یکی از انواع تکیه؛ هجای متوسط متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه، یک همخوان پایانی و یکی از انواع تکیه؛ هجای بلند متشکل از یک همخوان آغازی، یک واکه، دو همخوان پایانی و یکی از انواع تکیه (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۳۸). در این میان، هجای CV و بعد از آن CVC رایج‌ترین (بی‌نشان‌ترین) هجا است (تراسک، ۱۹۹۷: ۶۴). به این ترتیب، آنچه در گونه زبانی یزد با آن مواجه هستیم، تغییر ساختمان هجا از هجای بلند CVCC به CVC و در مواردی به CV است. به عبارتی، میل به سوی ساده‌شدگی و بی‌نشان شدن در این فرایند قابل مشاهده است.

هفت	هشت	هست	نشست	می‌خواست	راست	درخت	بیست	ردیف
		has	nešes	mixâs	râs			۱
	haš	ha:	nešes				bi:s	۲
haf	haš	has		mixâs	râs			۳
	haš	has		mixâs	râs		bi:s	۴
haf	haš	has	nešes	moxâs	râs	derax	bis	۵
		he:	nešes	muxâ			bis	۶
haf	haš	he:	nešes		râs	derax		۷
haf	haš	he:	nešes				bi:s	۸
haf	haš	he:				derax	bi:s	۹
haf	haš	ha:	nešes	mixâs	râs	derax	bi:s	۱۰

ب-۲-۳. حذف همخوان سایشی z از انتهای واژه در واژه‌های «امروز»، «پریروز»، «دیروز» و «هنوز».

ساختار هجایی این واژه‌ها به ترتیب cvccvc، cvccvcvc، cvcvcvc و cvcvc است که در همه موارد همخوان z از جایگاه پایانه هجای آخر واژه حذف شده است [در روستای عزیزآباد (شماره ۱) این حذف رخ نداده است].

ردیف	امروز	پریروز	دیروز	هنوز
۱				
۲	?emru			hanu
۳		pereyru		
۴	?emru	payiru	diru	hanu
۵	?emru		diru	hanu
۶	?emru			
۷	?emru	pereguru	digru	hanu
۸	?emru		diru	hanu
۹	?emru	periru	diru	hanu
۱۰	?emru	periru	diru	

درمیان داده‌های موجود، علاوه بر حذف‌هایی که نمونه آورده شد، مواردی نیز



ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد ۵۳

وجود داشت که به دلیل کافی نبودن مثال‌های مشابه از نمایش آنها به صورت جدول خودداری شد. از جمله این موارد، حذف همخوان خیشومی m از پایان واژه چشم (če:š و ča:š)، حذف همخوان‌های انسدادی k و d از جایگاه پایانه هجا در واژه‌های خشکسالی و رودخانه (xo:ššâli و ruxune) در بیشتر نمونه‌های مورد بررسی است، که می‌توانند نمونه‌های دیگری از میل به کم‌کوشی در گفتار و ساده‌شدگی به حساب آیند.

ب-۳. تبدیل واکه â به u و در مواردی به o در خوشه‌های ân و âm در یک هجا و نیز در موارد مجاورت واکه â در پایان یک هجا با همخوان m و n در آغاز هجای بعدی (در واژه‌های «خانه» و «داماد»، ساختار هجایی به ترتیب CVCV و CVCVC است که واکه هجای اول در مجاورت همخوان‌های خیشومی در جایگاه آغازی هجای دوم قرار گرفته‌اند). چنین فرایندی در فارسی محاوره‌ای نیز اتفاق می‌افتد؛ ولی به نظر می‌رسد که در لهجه یزدی، طیف گسترده‌تری از کلمات دستخوش این تغییر می‌شوند. بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که در گونه زبانی «رباط پشت بادام»، علاوه بر تغییر کیفیت واکه‌ها در نمونه‌های ذکرشده، با حذف همخوان خیشومی n از جایگاه پایان هجا نیز مواجه هستیم. البته حذف این همخوان مشروط به خوشه ân نیست و در واژه‌های «این»، «اینجا»، «خون»، «زن»، «شیرین»، «من» نیز مشاهده می‌شود؛ به طوری که ساختار هجای دربرگیرنده همخوان n در این کلمات از CVC به CV که صورت بی‌نشان‌تر است، تغییر یافته است.

ردیف	آسمان	آنجا	آنها	باران	بادام	بیابان	تمام	توفان
۱	?âsamun	?unjâ	?unhâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	tifun
۲	?âsemo	?ujâ	?unâ	bâron	bâdom	biyâbo	tamum	tufu
۳	?âsmun	?unjâ	?unhâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	
۴	?âsmun	?unjâ	?unhâ		bâdom	biyâbon	tamum	
۵		?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	tifun
۶	?âsmun	?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	tifun
۷	?âsamun	?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	
۸	?âsmun	?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	tifun
۹	?âmun	?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	
۱۰	?âsamun	?unjâ	?unâ	bârun	bâdum	biyâbun	tamum	tifun

ردیف	خانه	داماد	رودخانه	زبان	شام	گمان	مادیان	نان
۱	xune	dumâd	ruxune	zabun	šum	kamun	mâdiyun	nun
۲	xona	dumâd	rudxune	zebo		kamu	mâdiyun	no
۳	xune	dumâd	ruxune	zebun	šum		mâdiyun	nun
۴	xune	dumâd	ruxune	zabu	šum	kamun	mâdiyun	nun
۵	xune	dumâd	ruxune	zabun	šum	kamun	mâdiyun	nun
۶	xune	dumâd	ruxune	zebun	šum		mâdiyun	nun
۷	xune	dumâd	ruxune	zabun	šum	kamun	mâdiyun	nun
۸	xune	dumâd	rowxune	zabun		kamun	mâdiyun	nun
۹	xune	dunâd	ruxune	zebun	šum	kamun	mâdiyun	nun
۱۰	xune	dumâd	rudxune	zebun	šum	kamun	mâdiyun	nun

ب-۴. همگونی نیز از دیگر فرایندهای رایج در گونه‌های زبانی استان یزد است. گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگر پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. چنانچه این فرایند موجب شود که یکی از همخوان‌ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید، همگونی کامل است؛ اما اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان

## ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد ۵۵

نشود، آن را همگونی ناقص می‌گویند. همگونی ممکن است پیشرو یا پسرو باشد. در همگونی پیشرو، از دو همخوان همنشین آن که جایگاه نخستین را اشغال کرده است، ثابت و بدون تغییر می‌ماند و همخوانی که در جایگاه دوم قرار دارد، دستخوش تغییر می‌شود. در همگونی پسرو، از دو همخوان همنشین آن که جایگاه دوم را اشغال کرده است، ثابت می‌ماند و همخوان اول تغییر می‌کند. همگونی ممکن است میان یک همخوان و واکه همنشین نیز بروز کند. همگونی بین واکه‌ها که به آن هماهنگی واکه‌ای گفته می‌شود نیز از فرایندهای رایج در لهجه‌ها و گویش‌ها است که می‌تواند پیشرو یا پسرو باشد. در جدول زیر، نمونه‌هایی از هماهنگی واکه‌ای و نیز همگونی همخوان‌ها نشان داده شده است. در بعضی موارد، همگونی کامل صورت گرفته است؛ و در مواردی نیز دو آوا تنها در یک مشخصه با هم همگون شده‌اند.

ردیف	انبار	بخورم	بودم	جنوب	خروس	سفید	شنبه	عروس	عمو
۱	?ambâr	boxoram		ǰunub	xurus	sifid	šame	?ârus	?âmu
۲	?ambâr	boxorom	budom	ǰunub			šambe		
۳		boxoram		ǰunub	xurus		šambe	?ârus	?âmu
۴		boxorom	budom	ǰunub	xurus		šamme	?ârus	?âmu
۵	?ambâr	boxorem		ǰunub	xurus		šambe	?ârus	?âmu
۶	?ambâr	boxoram		ǰunub	xurus	sifid	šambe	?ârus	?âmu
۷	?ambâr	boxoram		ǰunub			šambe	?ârus	?âmu
۸	?ambâr	boxorom	budom					?ârus	?âmu
۹		boxorom	budom	ǰunub	xurus	sifid		?ârus	?âmu
۱۰		boxoram		ǰunub	xurus	sifid	šambe	?ârus	?âmu

در میان نمونه‌های ذکر شده، همگونی همخوان خیشومی لثوی n با همخوان انسدادی دولبی b در دو واژه «انبار» و «شنبه»، از فرایندهای رایج فارسی محاوره‌ای نیز است. در این واژه‌ها همگونی ناقص پسرو رخ داده بدین صورت که همخوان خیشومی لثوی n در ویژگی دولبی بودن با همخوان بعد از خود همگون شده و به خیشومی دولبی m تغییر پیدا کرده است. نمونه دیگر همگونی همخوان‌ها، در واژه

«نشستم» مشاهده می‌شود؛ که در آن، همخوان انسدادی بی‌واک i در مجاورت همخوان سایشی بی‌واک s، تبدیل به š شده، در نتیجه همگونی پیشرو و کامل رخ داده است. سایر موارد می‌توانند نمونه‌هایی از هماهنگی واکه‌ای به‌شمار آیند. در واژه‌های «بخورم» و «می‌خورم»، واکه‌های پیشین o و e در پیشوندهای mi و be با واکهٔ پسین o در ریشهٔ فعل، هماهنگی کامل پیدا کرده‌اند. در واژهٔ «سفید»، واکهٔ پیشین نیمه‌باز e با واکهٔ پیشین بستهٔ i و در واژه‌های «خروس» و «جنوب»، واکهٔ پسین نیمه‌باز o با واکهٔ پسین بستهٔ u در هجای مجاور هماهنگی کامل پیدا کرده است. در واژه‌های «بودم» و «کارم (= کار من)»، احتمالاً واکهٔ پیشین a در پسوند am در ویژگی پسین بودن با واکهٔ پسین â در ریشه، تحت تأثیر همگونی پیشرو ناقص به واکهٔ پسین o تغییر پیدا کرده است. در دو واژهٔ «عروس» و «عمو» هم به‌نظر می‌رسد واکهٔ پیشین a تحت تأثیر واکهٔ پسین بستهٔ u در هجای مجاور در ویژگی پسین بودن با آن هماهنگ شده است.

نشستم	می‌خورم	کارم	ردیف
nešessam		kârom	۱
		kârom	۲
			۳
nešessom		kârom	۴
	maxoram	kârom	۵
nešessam	moxoram	kârom	۶
nešessam		kârom	۷
	maxoram	kârom	۸
	moxoram	kârom	۹
nešessam	moxoram	kârom	۱۰

### ج - نتیجه‌گیری

چنان‌که در مقدمه عنوان شد، این تحقیق با هدف بررسی ویژگی‌های واجی مشترک در گونه‌های زبانی استان یزد شکل گرفت. در کلیهٔ موارد ذکر شده در این مقاله، به‌نظر می‌رسد میل به بی‌نشان شدن و ساده‌شدگی انگیزهٔ مشترک تغییرات به‌شمار می‌رود. صرف‌نظر از ویژگی‌های زیرزنجیری تکیه و آهنگ در لهجهٔ یزدی که

ویژگی‌های واجی مشترک گونه‌های زبانی رایج در ۱۰ روستای استان یزد ۵۷

از ویژگی‌های تمایزدهنده این گونه زبانی با فارسی معیار است و به دلیل کمبود داده‌ها در این مقاله بررسی نشده است، با مشاهده فرایندها و ساختارهای واجی گونه‌های بررسی شده، می‌توان به شباهت و نزدیکی این گونه‌ها با یکدیگر و نیز با گونه محاوره‌ای فارسی پی‌برد. در واقع، گونه‌های مورد بررسی، نمونه‌هایی از لهجه یزدی (فارسی یزدی) به‌شمار می‌آیند.

### کتابنامه

افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۷۸. شناخت استان یزد. تهران: انتشارات هیرمند.  
بزرگ‌چمی، پریزاد، ۱۳۵۲. بررسی اسم در زبان دری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران.

پورریاحی، مسعود. ۱۳۷۴. شناسایی گویش‌های ایران. تهران: سازمان حفظ میراث فرهنگی.  
پولادی، میترا. ۱۳۷۹. توصیف ساختمان فعل در گویش بهدینان مرکز شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی.

ثمره، یدالله. ۱۳۷۴. آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
\_\_\_\_\_ ۱۳۵۳. «پاره‌ای ویژگی‌های دستوری گویش دری، گونه زرین‌آبادی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۴، س ۲۳.

جعفری، جعفر. ۱۳۳۸. تاریخ یزد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
حبیب‌زاده مپیدی، لیلی. ۱۳۸۰. بررسی ساخت واژه در گویش یزدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی.

حق‌شناس، علی محمد. ۱۳۷۶. آواشناسی. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.  
رستم‌بیک تفرشی، آتوسا. ۱۳۸۲. طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا از استان‌های یزد و همدان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی.

زارع، علی‌اکبر. ۸۱-۱۳۸۰. بررسی مقایسه‌ای تکیه و آهنگ در گونه یزدی و فارسی معیار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز.

زنده‌دل، حسن و دستیارانش. ۱۳۷۷. مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان یزد. تهران: نشر ایرانگردان.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان یزد. تهران: مرکز آمار ایران. سروشیان، جمشید. ۱۳۷۰. فرهنگ بهدینان. مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

کشاوری، کیخسرو. ۱۳۶۲. «فرهنگنامه گویش زرتشتیان استان یزد»، مجله فروهر، ش ۹-۱. کلباسی، ایران. ۱۳۵۵. زبان فارسی و زبان‌های محلی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ ۱۳۶۲. گویش کردی مهابادی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ فارسی اصفهانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ ۱۳۷۶. راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی، «یاد بهار». تهران: نشرآگه، ص

۶۷۷-۶۸۷

\_\_\_\_\_ ۱۳۷۶. گویش کلاردشت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مزدابور، کتابون. ۱۳۷۴. واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نقیب‌القرآ، سیدعلی. ۱۳۷۵. بررسی گویش یزدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

Cristal, David. 1992. *A DICTIONARY OF LINGUISTICS AND PHONETICS*.  
Cambridge: Blackwell.

Trask, R.L. 1997. *Historical Linguistics*. New York: Arnold.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی